

شعرهای زمستانی

رودخونه‌ها

وقتی درختا خوابند
رودخونه‌ها بیدارند
اگر که تشنه باشند
آب برایشون می‌آرند

اگر یه شب درختی
بیدار بشه، آب بخواد
رودخونه هر جا باشه
شُر شُر و شُر، زود می‌آد

● اکرم کشایی

من و درختم

روی تن درختم
اسم خودم را کندم
درختی که تابم را
به شاخه‌هاش می‌بندم

صدایی تو دلم گفت
«کار تو، بدکاریه
یادت باشه که امروز
جشن درختکاریه»

● شکوه قاسم نیا

خونه تکونی

مامان می گه منتظر بهاریم
وای خدا، باز خونه تکونی داریم
کاشکی یه گول گنده پیدا می شد
خونه‌ی ما تو مُشت اون، جا می شد
تا موقع خونه تکونی می موند
خونه رو، با دست خودش می تکوند

● مریم هاشم‌پور

هایپشته...

بیا پیشم، پیش پیشی
هایپشته... دوستم می شی؟
هایپشته... وای، در نرو
کاری ندارم با تو
هایپشته بود، نه پیشته
مریض شدم، هایپشته...

● محمد حسن حسینی